

مورخ ۲۳ می ۱۹۱۲ در منزل مستر و
مسس برید در کمبریج: درباره ملازمت
علوم مادیه و الهیه و تذکار مبعث
حضرت اعلی

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



ORIGINAL



AUDIO

مورخ ۲۳ می ۱۹۱۲ در منزل مستر و مسس برید در

کمبریج:^۱

درباره ملازمت علوم مادیه و الهیه و تذکار مبعث

حضرت اعلی^۲

(خطابات جلد دوم، ص. ۸۳-۸۶)

ای احبای الهی امروز من بدارالفنون کلارک رفتم در شهر ووستر. در آنجا خیلی جمعیت بود، صحبت کردم بی نهایت اظهار سرور و شادمانی نمودند. خیلی تشویق و تحریض بر تحصیل علم کردم. زیرا علم اعظم منقبت عالم انسانی است، علم سبب کشف حقائق است، ولی علم بر دو قسم است: علوم مادیه و علوم الهیه. علوم مادیه کشف اسرار طبیعت کند، علوم الهیه کشف اسرار حقیقت نماید، عالم انسانی باید تحصیل هر دو علم کند، اکتفای به یک علم ننماید. زیرا هیچ پرنده ای به جناح واحد پرواز نکند، باید به دو بال پرواز نماید؛ یک بال علوم مادیه و یک بال علوم الهیه. این علم از عالم طبیعت و آن علم از ماوراء الطبیعه. این علم ناسوتی، آن علم لاهوتی. مقصود از علم لاهوتی کشف اسرار الهی است، ادراک حقائق معنوی است، فهم حکمت بالغه الهی است، کشف حقیقت ادیان رحمانی است و ادراک اساس شریعت الله است.

باری امروز روز بعثت حضرت اعلی است روز مبارکی است، مبدأ اشراق است. زیرا ظهور حضرت باب مانند طلوع صبح صادق بود و ظهور جمال قدم ظهور آفتاب. هر صبح نورانی بشارت از شمس

Cambridge^۱

^۲ خطابه در کمبریج نزدیک بستن پنجشنبه ۲۳ می ۱۹۱۲ (شب) جمادی الآخر ۱۳۳۰

شرح در بدایع الآثار ج ۱ ص ۱۰۲

حقیقت دهد، لهذا این یوم یوم مبارکی است، مبدأ فیض است، بدایت طلوع است، اول اشراق است. حضرت اعلی در چنین روزی مبعوث شد و نداء به ملکوت ابهی نمود و بشارت به ظهور جمال مبارک داد و به جمیع طوائف ایران مقابلی کرد. جمعی در ایران متابعت نمودند و در بلایا و مشقّات شدید افتادند و در مقام امتحان و افتتان نهایت قوّت و ثبات آشکار نمودند. چه بسیار نفوس که شهید گشت، چه بسیار نفوس که در حبس شدید افتاد، چه بسیار نفوس که عقوبات عظیمه دید. با وجود این، با نهایت استقامت و ثبوت جانفشانی نمودند، ابدأً متزلزل نشدند، از امتحانات ملال نیاوردند، بلکه بر ایمان و ایقان خود صد مقابل افزودند. آن نفوس منتخبین الهی هستند، آن نفوس ستاره اوج نامتناهی تقدیس هستند که از افق ابدی درخشانده و تابانند. حضرت اعلی را در شیراز اذیت کردند، بعد به اصفهان آمدند. در اصفهان علما اذیت زیاد کرده، اعتراضات نمودند. بعد حضرت را از اصفهان به تبریز فرستادند و در تبریز چندی اقامت کردند. بعد از تبریز به ماکو فرستادند، در آنجا در قلعه ای محبوس بودند بعد از ماکو به چهریق فرستادند و در آنجا هم محبوس بودند و از چهریق به تبریز آوردند و در آنجا به نهایت ظلم و جفا شهید نمودند. حضرت اعلی مقاومت جمیع ایران را نمودند. اذیت کردند و هرچه خواستند آن سراج الهی را خاموش نمایند، روشن تر گردید و روز به روز امرش واضح تر شد. در ایامی که در میان خلق بودند، در جمیع اوقات بشارت به بهاء الله میفرمودند و در جمیع الواح و کتب ذکر بهاء الله نمودند و بشارت به ظهور بهاء الله دادند که در سنه نه هر خیری شما می یابید در سنه نه سعادت کلی حاصل می کنید در سنه نه به لقاء الله فائز می شوید و از این قبیل بیانات بسیار و جمال مبارک را به اسم من یظهره الله ذکر فرمودند. مختصر این است که آن وجود مقدّس در محبت جمال مبارک جانفشانی فرمود، چنانچه در کتاب احسن القصص می فرماید: "یا سیدنا الاکبر قد فدیته بکلی لک و ما تمنیت الا القتل فی محبتک و السّب فی سبیلک وانت الکافی بالحق". ملاحظه کنید که آن وجود مبارک چه قدر صدمه دیدند و چگونه جان فشانی نمودند و چگونه به محبت جمال مبارک منجذب بودند و چگونه ما باید بایشان اقتدا کنیم و جانفشانی نمائیم و به نار محبت الله مشتعل گردیم و از عنایات الهی بهره و نصیب گیریم. زیرا آن وجود مبارک وصیت کرده که در ظهور جمال مبارک در نهایت انقطاع باشیم جمیع بشر را از برای او دوست داریم و خدمت به عالم انسانی کنیم. بناء علی ذلک مبارک باد امروز، چه که امروز روز مبارکی است.

امشب من از ملاقات شما ها بسیار مسرور شدم و از خدا خواهم که فیوضات ملکوت الهی بر شما احاطه نماید، وجود شما ها نورانی گردد و قلوبتان روحانی باشد و جمیع ابناء و بنات ملکوت گردید و منسوب به خداوند جلیل شوید و به موجب تعالیم حضرت بهاء الله عمل کنید.

